

آموزش و پرورش تطبیقی^۱

علیرضا عصاره^۱، نسرین اوزاعی^۲، مجتبی دهدار^۳، لیلا سایگانی^۴

۱- دکتری برنامه ریزی درسی و آموزشی دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران

۲- دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران

۳- دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک و مدرس دانشگاه فرهنگیان ایران شهر

۴- دکتری زبان و ادبیات فارسی و مدرس دانشگاه فرهنگیان ایران شهر

چکیده

مطالعه ادبیات "فرا تر از محدوده یک کشور خاص"، و مطالعه روابط بین ادبیات از یک سو و دیگر زمینه های دانش و اعتقاد، مانند هنر، فلسفه، تاریخ، علوم اجتماعی، علوم، دین و غیره، از سوی دیگر است. به طور خلاصه، مقایسه یک ادبیات با دیگر ادبیات ها و مقایسه ادبیات با دیگر حوزه های اصطلاحات انسانی است. با این حال، ریمارک^۲ مقایسه های بین ادبیات و زمینه های ادبی بیشتر اگر آنها به عنوان "ادبیات تطبیقی" در نظر گرفته شوند، باید سیستماتیک، بین ادبی، قابل تفکیک و منسجم و خارج از ادبیات باشند به عبارت دیگر، از دیدگاه ریمارک مقایسه ادبی ممکن است به صورت تقابل ملی یا بین رشته ای باشد. این ویژگی ها شبیه به آموزش و پرورش تطبیقی هستند.

واژگان کلیدی: مقایسه، آموزش و پرورش، ادبیات، تطبیقی.

مقدمه

در مورد موقعیت و نقش ادبیات تطبیقی در مطالعات ادبی ریمارک آن را نه به عنوان یک نظم مستقل، بلکه به عنوان یک رشته کمکی که هدف آن پل زدن طبیعی است تصور می کرد. اما زمینه های جدانشده فیزیکی از خلاقیت انسان، یک درک جامع تر از ادبیات به عنوان یک کل را با گسترش تحقیقات ادبی از لحاظ جغرافیایی و عام می دهد. در حین شناخت همپوشانی بین ادبیات تطبیقی، ادبیات ملی و ادبیات جهان، ریمارک این موارد را ازهمدیگر تشخیص می دهد. اولاً، ادبیات تطبیقی فرا تر از ادبیات ملی است. در مطالعه خود در مورد "نماس یا برخورد بین فرهنگ های مختلف، ... و مشکلات مربوط به ترجمه" (۱۹۷۱، ص ۸۰). دوم، ادبیات تطبیقی از ادبیات جهان در پنج حوزه متمایز است: فضایی، ادبیات تطبیقی نسبت به ادبیات جهان که دامنه جهانی دارد، حوزه جغرافیایی محدودتری دارد. از نظر زمان و کیفیت، ادبیات تطبیقی دامنه وسیع تری نسبت به ادبیات جهان دارد. که محدود به ادبیات مشهور جهان است که کیفیت آن تجربه تست و زمان را داراست، یا آثار اخیر که تحسین و تمجید زیاد خارجی را دریافت کرده اند. در نهایت و مهمتر از همه، ادبیات تطبیقی یک روش خاص - رویکرد تطبیقی - را تجویز می کند در حالی که ادبیات جهان این کار را نمی کند و معمولاً شاهکارهای فردی را به عنوان آثار مستقل مطالعه می کند. بنابراین، عنصر متمایز ادبیات تطبیقی متشکل از مطالعات متقابل فرهنگی ادبیات ملی است. بحث و جدل های بیشتر از تعریف تقریباً جامع ریمارک از ادبیات تطبیقی استفاده کرده است (بسنتی، ۱۹۹۳، توتوسی و زیپتنیک^۳، ۱۹۹۸). با تلاش برای تعریف رشته ادبیات تطبیقی و بازتاب حالت های نامنی ذهنی که در زمینه های تطبیقی

۱- این مقاله ترجمه است از زیر:

Comparative Education The construction of a Field

2 Remak

3 Bassnett, & Tötösy & Zepetnek,